

این خادم مطبوعات نیز انجام شد تا مدت ایران يك مقایسه مابین خانواده سلطنتی پهلوی و خانواده‌های سلطنتی قاجاریه بنمایند و به‌یینند آنان چگونه با مردم رفتار میکردند و اینان چگونه ، آنان بغیر از عیش و نوش فساد و اخلاق چیزى در کارشان نبود و يك نفرشان هم بفکر کشور و مردم کشور نبودند ولى خوشبخانه امروز بچشم میبینیم که چگونه و الاحضرت اشرف پهلوی و همچنین و الاحضرت شمس پهلوی اوقات گرانبهای عزیز خود را صرف آسایش و رفاه جامعه ایرانی می فرمایند

می بینیم از بندر آبادان تا جنگل ماسوله ده بنده قریه بقریه مسافرت میفرمایند و با هزاران زحمت و مشقت درمانگاه و آسایش گاه برای ملت ایجاد میفرمایند و امیدوارم در تحت توجهات ذات مبارك شاهنشاه بزرگوار برادر تاجدارشان روز بروز بموفقیتهای بیشتری نائل گردند

در خاتمه باید از آقای حاجی مظاهری مدیر چاپخانه مظاهری که مثل سایر همراهیهائی که در چاپ کتابهای حقیر میفرمودند در چاپ این کتاب منتهای همراهی را فرمودند نهایت تشکر را دارم.

تهران ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ خورشیدی - کوهی کرمانی مدیر نامه نسیم صبا

سبب تألیف کتاب

چون جناب فغامت نصاب وزیر انطباعات و مدیر دارالترجمه خاصه و دارالتالیف که نام شریفش مطابق نام نامی و اسم سامی جد بزرگوارش محمد حسن شاه قاجار است و بلقب مرحوم والد ماجد خویش اعتماد السلطنه ملقب و از تربیت و تشویق شاهنشاه کیوان خدم و دارای اسکندر چشم وارث دیبیم جم مالک رقاب الامم السلطان ابن السلاطین و الخاقان ابن الخواقین

ناصرالدین شاه غازی خسرو صاحبقران

خلدالله ملکه الاخرالدوران از عنفوان شباب تا زمان شباب اوقات خود را مصروف نشر علوم و معارف نموده و در اغلب فنون و فضایل بردانشوران اواخر و اوایل تقدم یافته خصوص در علم تواریخ و اطلاعات بر وقایع تمام کره ارض که خاطر آگاهش مطلع الشمس دانش و بینش و مرآت بلدان عالم آفرینش و تاریخ منتظم ما تقدم و شارح سوانح عالم است بر حسب امر قدر قدر همایون روحنا فداه باین فدوی در گاه آسمان پناه ابلاغ فرمود که از واقعات زمان سلطنت خاقان رضوان مکان طاب الله نراه آنچه شنیده و دیده بعرض برساند اگر چه هنگام افول اختر سلطنت پدر تاجدار خود بیش از ده سال نداشتم لکن هر چه در آن زمان دیده و در نظر بود یا در مدت عمر خود از بزرگان قوم ذکور و اناثا شنیده بودم درین مختصر تحریر نموده ارسال خدمت جناب عالی وزیر انطباعات داشتم که بمقتضای المیسور لا یسقط بالمعسور حتی الامکن در انجام فرمایش اقدام شده باشد و بتاریخ شهر جمادی الاولی مطابق اواخر سنه تترکیه ابت میل در زمان حکومت همدان نگارش یافت امید که منظور نظر کمیا اثر بندگان آستان ملایک یاسبان گردد

آغاز حکایات زوجات خاقان منصور

آسیه خانم

زوجات خاقان جنت مکان چند نمره بودند نمره اول از خانواده سلطنت و سایر شعب قاجاریه و بزرگ زادگان معتبر ایران بودند که عدد آنها قریب چهل بلکه زیاده سبک خاقان مبرور با این طبقه حفظ احترام کامل بود حتی در حضور آنها با سایر طبقات ابداء التفات نمیشد روزی يك ساعت حق حضور داشتند مثل سلام های رسمی بزرگ حاضر می شدند قاجاریه يك سمت می ایستادند مابقی در صف دیگر به ترتیب شئونات پسران خود می ایستادند ایحاد این سلام ایستادن خاقان شهید آقا محمد شاه و یاسای آنحضرت بود در وقت سلام

که از آثار حضرت خاقانست بحبت این خانم احدات و باسم او نامیده شده در مراجعت از جنگ باروس با آن پریشانی وضع و خیالات اولیای حضرت و غمگینی خاطر همایون سلیمان میرزا دستخط شد که تاخسه باستقبال بیوا آن شکر خنده که برنوش دهانی دارد نه دل من که دل خلق جهانی دارد باخود بیوار مقصود نوش آفرین خانم دختر بدرخان زند است که شاه شهید خان مزبور را بنا بمصلحتی میل در چشم جهان بینش کشید سایر این نعره و طبقه را شنیده نشد که مطلوب و طرف رغبت واقع شده باشند بلکه محض تالیف قلوب ایل و عشیره آنها و اطمینان بر محنت خاقانی اظهار لطف و پاس حرمتشان رعایت می شد آغاباجی که از همه محروم تر چنانچه نوشته شد بحال بکارت باقی ماند حضرت خاقانی مکرر می فرمودند از خویشاوندی با او خوشوقت و مشعوفم نتیجه این فرمایش الهام اثر در حق سه نفر از شاهزادگان بزرگ ظاهر گردید که از اردبیل بدون وضع و اسباب شاهزادگی بخاک روسیه فرار نمودند در ورود قرباغ (گوهر آغا) همشیره آغاباجی بنسبت آنکه خود را تمام اولاد خاقان مغفور بمنزله خاله می دانست زیاده بر هفت هزار تومان از مال خود تدارک و لوازم سفر برای مرحومان ظل السلطان و رکن الدوله و سر کشیکچی باشی فراهم آورد برای همین استحکام خویشاوندی با (آغاز بیگم آغا) مشهور بآغاباجی همشیره زاده او (ماهچه بیگم آغا) دختر حسین خان دنبلی را برای مرحوم حسام السلطنه تزویج نمودند که امیر تیمور میرزا از او متولد شد (شاه بیگم آغا) را که همشیره زاده دیگر آغاباجی و دختر نظر علی خان شاهسون ساریغان بنکیلر بود برای مرحوم حاجی سیف الدوله بزنی آوردند این عروسی از عروسی های بزرگ است و جشنی بعد از آن نشد و حضرت خاقان بروضه رضوان ارتحال نمود معروفست که تاج الدوله بخاقان خلد مکان عرض و استدعا نمود که امینی از سرکار اقدس برود تدارکات موجوده عروسی سیف الدوله را بازدید نمایند سهرابخان نقدی و مهربان جنسی برای رسیدگی این تدارک مامور شدند یکصد و بیست هزار تومان جواهر و البسه فاخره و طلا و نقره آلات و سایر نفایس موجوده را تخمین نمودند فرمان همایون صادر شد که یکصد هزار تومان برای عروسی سیف الدوله کافی است بیست هزار تومان دیگر را تاج الدوله در حق صاحبقران میرزا و فرخ سیر میرزای نیر الدوله واگذرد عروسی این دو شاهزاده هم حسب الامر ضمیمه عروسی سیف الدوله شد تمام تدارک و خرج آنهارا تاج الدوله داد و دختر ابراهیم خان سردار دوللورا برای صاحبقران میرزا و دختر مهر علیخان قواندلوی مشهور بعمورا برای نیر الدوله عروسی کردند روزی که دختر نظر علیخان شاهسون را از اردبیل وارد تهران می نمودند تمام امنای دربار بحکم سلطنت استقبال نموده عروس را از قریه کن تاشهر بر تخت فیل نشاندند این اول عروسی بود که در عهد سلطنت قاجار بر تخت فیل نشست و یکی از حیثیات احترام این عروس ملاحظه آغاباجی خاله مجلله او بود حضرت خاقان مکرر نوشتجات و تعارفات از جانب آغاباجی برای امپراطریسهای دول متحابه

میرقستاد و از جانب آنها نیز برای آغاباجی تعارفات و نوشتجات می آمد از جمله يك عنبرچه مرصع که تخمه آن زمرد بسیار درشت و دورش يك قطار الماس بسیار ممتاز و دوزنجیر طلای ظریف داشت برای آغاباجی از جانب امپراطریس انگلستان اهدا شده بود حضرت خاقانی این پارچه جواهر را بهشت هزار تومان خرید زمانیکه (بطاوس خانم) اصفهانیه لقب تاج الدوله مرحمت شد عنبرچه مزبور را برسم خلعت فرستاده بمیرزا عبدالوهاب معتمد الدوله که نویسنده فرمان و عامل خلعت بود و بر تاج الدوله علاوه بر حق تعلیم خط و ربط عالم پدر و فرزندی داشت و اهل بلد و همشهری بودند بر حسب فرمایش خاقانی پانزده هزار تومان رسوم فرمان و خلعت بهای عنبرچه مرحمتی داده شد این فقره که معروفست چندین دفعه قرض میرزا عبدالوهاب نشاط را مرحوم خاقان باعطای مبلغی خطیرا داد فرمودند یکدفعه آن همین پانزده هزار تومان بود تاج الدوله از تربیت نشاط صاحب خط و کمال بود در عرایض بحضور خاقانی مضامین خوب مینوشت پسری داشت سلطان احمد میرزا نام مشهور به (سیورساتچی) وقتی در بلاق آقا میرزا قاسم تاج الدوله و سلطان احمد میرزای مزبور باهم بناخوشی و با مبتلا شدند خاقان مرحوم تشریف فرمای (نوا) بودند سیورساتچی فوت شد و تاج الدوله صحت یافت حضرت خاقانی در تسلیه نامه تاج الدوله این بیت را متدرج فرمودند
از کسی که بشکند چیزی قضائی بگذرد خوب شد بر تو بخورد آسبش از مینا گذشت
(تاج الدوله در جواب نوشته بود)
اگر بشکست اندر بزم مستان ساغر مینا سراسقی سلامت دولت بیر مغان برجا
اوضاع و اسباب تجمل تاج الدوله همه جهت از حرمخانه خارج بود و دستکاهی جداگانه داشت از فراشخانه و اصطبل و صندوقخانه و غیره میرزا حسین پسر مرحوم میرزا اسداله خان که برادر مرحوم میرزا آقاخان صدراعظم بود وزارت تاج الدوله را داشت ماهی هزار تومان باسم سبزی مطبخ تاج الدوله از دفتر برات صادر میشد ازین ماخذ معلوم میشود که تفصیل دستکاه چه بوده است در اندرون هم همه قسم صاحبان مناصب داشت از جمله (آصفه) دختر خانم خان زند و وجه ملک ایرج میرزا که بسیار زن زرنگی بود بوزارت تاج الدوله اختصاص یافت این بیت از مرحوم محمد رضا میرزا در حق اوست
بارها بسته است بی تک و کفه مادر چاچوله بازان آصفه
(حسنی بیگ) رشتیه معروفه که اسباب تجارت معتبر و عمدتاً داشت در آن دستکاه (گرگ ابراق) بود شوهر اختیار نمی کرد و لباسی متوسط و مرمک از زنانه و مردانه می پوشید میخواست بگوید خواجه مادر زادم میرزا تقی آقای علی آبادی در تعریض باو گفته
پیر و بکر و بیوفا و بسدرک است این جهان کوئی که خود حسنی بیگ است
دختر جعفرخان زند که از زوجات معتبر خاقانی بود در زمان شاه شهید بواسطه تمهتی که باو زده بودند مطلقه شده بچراغعلی خان نوائی تزویج یافت و قریب یکصد سال عمر کرد در آن دستکاه رتبه قائم مقامی داشت (میرزا امام شرف)

عمه مرحوم حاجی ملا صالح مجتهد برغانی ملقب بمنشیه که شکسته را خوب مینوشت متصدی انشاء بود از دستکاه تاج الدوله و شرح التفات حضرت خاقانی باو نمیتوان بتفصیل نکارش داد از نوروز سلطانی تا سیزدهم عید خاقان جنت مکان با تمام اهل حرمخانه و تمام خانواده شاهزادگانی که در طهران بودند و شاهزاده خانهای که شوهر کرده و در دارالخلافه حاضر بودند مهمان تاج الدوله میشدند درین سیزده روز در خدمت حضرت خاقانی تماماً بعیش و استماع ساز و نوا و بازی مشغول بودند تاج الدوله مرحومه همگی آنها عیدی و تعارف میداد و مهربانی مینمود اطاقها و مهمانداران متعدد برای هر یک بفرآنها موجود بود تخت مرصع مشهور بتخت طاوس راتخت خورشید میگفتند شجاع السلطه مرحوم در حکومت طهران تدارک عروسی تاج الدوله را دید و شبی که بعمارت خاقانی رفت تخت مزبور را برای خوابگاه خاقان مغفور زدند و از آن شب باسم آن مرحومه موسوم و بتخت طاوس مشهور شد پس از آنکه اعتبار شخص تاج الدوله زیاد شد شجاع السلطنه باجازت حضرت خاقانی میخواست بقیه مدت انقطاع او را بخشیده بقصد دوام خاقان مغفور بیاورد تاج الدوله تمکین نکرده گیت این همه التفات ملوکانه از اثر نظرات مسعوده ساعت عقد بوده است برهم زدن آن عقد میمون کجا روا باشد چون این عرض تاج الدوله در اول جوانی با وجود نفرتی که عموم زنان از انقطاع دارند و میخواهند معقوده دائم باشند فوق العاده موجب خوشنودی خاطر خاقانی و دلیل وافی بر فطانت و هوشیاری آن مرحومه شد مقرر فرمودند که بالمضاعف براوضاع ترقیات او از هر جهت افزوده شود و امر اعلی بعده عبدالله خان معمار باشی صادر گردید و یکدست عمارت تام الاجرا از اندرونی و بیرونی و حمام مشتمل بر تالارهای آئینه متعدد مانند موقع تمکن و نشیمن خود خاقان مغفور که مشهور بعمارت چشمه بود برای تاج الدوله ساختند هیچیک از اهل حرمخانه در آن عمارت نبودند که دختر آقا محمد رضای موسیقی دان معروف و ملقبه به (شاه وردی خان) و بیگم رستم آبادیه ملقبه به (یارشاه) با چند نفر دختران جواهرپوش که کارشان زدن ساز و خواندن آواز بود اینها هم داخل خدمه حرم مزوجات بودند دیگر اینکه سفرا و حضرا در خدمت تاج الدوله بسر میبردند دختر آقا محمد رضا در فن موسیقی استاد و از شاگردی پدر خود نائل باین استعداد شده بود .

ولی اینها دخلی بدستگاه بازی کرخانه و بازی کران حضرت خاقانی نداشتند دستگاه بازی کرخانه خاقان یک فصل بسیار مفصلی میباشد وضع آنها و اسم و رسمشان و شئونات و مخارجشان شرح علیحده میخواهد هر گاه خوف ملامت نبود تفصیل نگارش گذارش میداد

سنبل خانم - فخر جهان خانم

والده مرحوم شعاع السلطنه از اسرای کرمان زمان شاه شهید است در خدمت خاقان مرحوم خیلی با احترام و در حرمخانه مبارکه منشاء آثار بزرگی

بود حضرت پادشاهی و تمام شاهزادگان او را خانم می گفتند واسطه عرایض مردم بحضور خاقانی میشد و توسطها مینمود از بس نیک متحضر و خوش قلب بود مکرر عریضه رعایای خمسه را که از شعاع السلطنه پسر خودش تقلم کرده بودند بحضور خاقانی میداد و میگفت نمیخواهم کسی مظلوم واقع شود و از شاه عالم پناه شکایت نماید اگر چه پسر خودم مصدر ظلم شده باشد باید معزول شود پرستاری حضرت خاقان را سفرا و حضرا برعهده خود میدانست و وقت غذا خوردن پهلوی شاه مینشست شاهزادگانی که بودند برای هر یک غذائی کشید اگر از برابر خودشان بستمهای دیگران دست درازی میکردند نهیب میداد مکرر با کفگیر بر سرشان زده بود عبدالله میرزای دارا اورا (حمیراء) می گفت (فخر جهان خانم ملقبه بفخر الدوله دختر سنبل خانم و از صبیای زمان جهانیانی حضرت خاقانی است اورا بزبی میرزا محمد خان پسر عمویش دادند نه سال در حباله او بوده و باحالت بکارت طلاق گرفته شوهر اختیار نکرد در حضرت خاقانی خیلی تقرب و دستگاه و عمارت جداگانه داشت یک اطاق مخصوص هم در عمارت خاصه خاقان برای فخر الدوله معین بود که تمام شاهزادگان و وقت شام و نهار با آنها میرفتند و بهیشت اجتماع در سر سفره حاضر میشدند و در خدمت پدر نامور صرف غذا مینمودند

حسن جهان خانم

ملقبه بوالیه هم از دختران سنبل خانم است که در صباحت منظر و لطف خاطر و مساحت بیان و فصاحت بیان نظیرش بسیار کم بود سبک عرفان داشت و خود را از اهل سیر و سلوک میدانست شعر خوب می گفت این شعر از اوست .

از لب ت یافتم حقیقت می و من الماء کل شتی حی
 سالها در کرستان شخصا با کمال استقلال حکومت کرده است (تاجلی بیگم خانم) هم از سنبل خانم است عروس مرحوم ابراهیم خان کرمانی بود و در کرمان وفات یافت .

فاطمه خانم

از بستگان سنبل خانم بود دختری از خاقان مغفور آورد که اسمش سرو جهان خانم است از بنات محترمات حضرت خاقانی محسوب می شود پس از آنکه شاه خلیل الله را اشرا ریزد باغوا می ملاحسین و اظهار خلوص بقدر الممالک شهید کردند و ببلاخطه بازماندگان مرحوم شاه خلیل الله ملاحسین و اعوان او با صدر الممالک مورد ستخط پادشاهی شدند محظ حفظ آن خانواده و پاس زحمات میر ابوالحسن خان پدر شاه خلیل الله که خود تازنده بود لطفعلی خان زند را با آن رشادت بکرمان راه نداد و سرو جهان خانم را برحوم آقاخان پسر شاه مزبور داده که آقا علی شاه مرحوم و آقا سلطانه محمد شاه حالیه دام اجلاله پسر و نوه سرو جهان خانم میباشند .

خازن الدوله

حضرت خاقانی بزنانی که از خانواده قاجار یا سایر بزرگ زادگان

بودند امر فرمود که یکی از شما باید بجای مهد علیا در حرمخانه سلطنت رئیس و مقتدر باشید و مابقی در جمیع امورات باجاره او رفتار نمایند آنچه از نقد و جنس و مقررى بتوسط مهد علیا بشما میرسد آن یکتفر برساند بعد از مشورت ها تمام زنهاى محترمه عرض کردند که امکان ندارد از ماها یکی رئیس و دیگری مرموس شوند لکن اگر یکی از جوارى مهد علیا بجای ایشان بشینند اختیار تمام امور حرمخانه مبارک که در کف کفایت او باشد بنا بر این احترام آن مرحومه اطاعت کنیز او بالطوع والرغبه خواهد شد (گلبدن باجی) که از کنیزان مهد علیا بود باین رتبه انتخاب شده آنچه نقود واجناس جواهر و غیره در صندوقخانه مبارک بود متصرف گردید و آن قانون زمان مهد علیا ابتدا برهم نخورد تمام حرمخانه در اطاعتش بودند از مواجب و لباس و انعام و بخشش بهره کس که میرسد بتوسط او داده میشد بلب صندوقدارى امتیاز یافت و نقش مهرش این بود .

معتبر در ممالک ایران قبیض صندوقدار شاه جهان

اعتبار این مهر بحدی بود که اگر کرور کرور از تجار و سایرین میخواست بی تشویش تحویل میکردند اقتدار صندوقدار در حرمخانه سلطنت بحدی بود که یکتفر زن چه از محترمات و چه گیس سفید و کنیزان بی اجازت او نمیتوانستند بخرمخانه داخل یا خارج شوند هر وقت زنی میخواست باندرون بیاید یک انگشتری یا قوت بزرگ که علامت رخصت ورود بود بتوسط آقاالماس خواجه خودش میفرستاد درب اندرون آقا یعقوب کرجی آن انگشیر را میدید و بدریان مینمود فوراً اذن ورود حاصل بود و هر کس میخواست خارج شود آن کتشر زمرد بزرگ صندوقدار را بهمین تفصیل که علامت اجازت و پروانه خروج بود میدردند و مینمودند و از حرمخانه بیرون میرفتند در تابستان که تمام اهل حرم بائيلات مختلف میرفتند صندوقدار میماند و خیلی زحمت خانهای آنها را متصل میشد از تهید و عقل و بزرگ منشی و شخصیت که از او مشاهده شد خاقان مرحوم او را بزنی خواست و ملقب به خازن الدوله شد مرحومان بهاء الدوله و سیف الله میرزا پسران او میباشند اجزای خازن الدوله را از میرزاهای زنانه و کنیزان متعلق به صندوقخانه اگر بچیطة تحریر درآید هزار صفحه گنجایش ندارد (میرزا مریم) از اولاد میرزا صالح طهرانی که مدرسه و بعضی از اینه دیگر از او مشهور و مشهود است در خدمت خازن الدوله مستوفیه بود (میرزا پری سیما) و (میرزا فلک ناز) و چند نفر دیگر محرر او بودند اگر در سفرهای همایون حضرت خاقانی یکی از خادمان حرم و سایر انگشتری میداد یا اعطای دیگری میفرمود ضیاء السلطنه بخازن الدوله مینوشت که در فلان ساعت فلان جواهر بفلان خاتم التفات شد میرزا مریم و سایر محررین ثبت میکردند اگر چیزی از نقد و جنس جواهر و غیره داخل یا خارج از خزانه میشد ممکن نبود که خازن الدوله و اجزای او ثبت نداشته باشند خداوند جل شانہ حافظه و هوشی بخازن الدوله مرحمت فرموده بود که هر وقت هر قسم چیزی حضرت خاقانی از

خزانه میخواست فوراً حاضر میکرد هر قدر اشرافی بدستش میریختند یا کیسه مهوری بدستش میدادند میگفت چه قدر است نهایت اگر تخلف میکرد درصد یا دوست اشرافی دویاسه عدد بود که زیاد و کم از حدت او داشت هر قسم اجحار قیمتی را باندک ملاحظه ارزش و قیراط وزن آن را طوری تشخیص میداد که هر استاد جواهری میدید تصدیق می نمود و بعد از سنجیدن وزن و قیمت بهمان طور که گفته بود قول او صائب میشد بدون احضار حضرت خاقانی نیرفت پیوسته با اجزای خود مشغول محاسبه صندوقخانه و انجام امورات اهل حرمخانه بودند و ماه بنوروز مانده می بایست باحضور خسروخان خواجه تمام خلعتهای شاهزادگان و حکام را بقیچه بسته بنظر خاقان مغمفور برسانند و سریقچه را میرزا مریم به نوسید و تمام خلعتها باید طوری فرستاده شود که در شب تحویل هر يك از حکام در نقاط حکمرانی خودشان خلعت شاهی رسیده باشد و در ساعت تحویل مخلف باشند اگر چه بعضی از بانوان محترمه حرمخانه بودند که هر گاه خازن الدوله بمنزل آنها وارد میشد بدون اجازه نمی نشست اما در اطاق خودش که محل نشین مهد علیای مرحومه بود هیچ خانم محترمه براو مقدم نمی نشست بلکه در اعلى درجه ادب و فروتنی مطلب خودشان را می گفتند و جواب می شنیدند تمام بار خانهای که از ولایات در عید نوروز یاد در سایر اوقات می آمد يك شیشه آب لیمو یا کیسه تنباکومی را ممکن نبود بدون فرمایش و تقسیم و تعیین خازن الدوله کسی بتواند دست بزند حتی برای شخص سلطنت هم میبایست خازن الدوله قسمت بدهد که باصطلاح خودشان بخش میگفتند بقدری محلل اعتماد خاقان مرحوم بود که اگر تمام خزانه را می بخشید مختار بود با این اعتبار احتمال میرفت که معادل ده تومان نقد یا جنس را بدون عرش و اجاره شهریارى وثبت و سررشته دفتر میرزا مریم بکسی نداده باشد .

خیر النساء خانم - مریم خانم - ضیاء السلطنه

بلیاسی است يك دختر از خاقان خلد آشیان داشت که بمنجم باشی رشتی دادند اسم همشیره خاقان سعید شهید شاه جهان خانم را با او گذاردند باین واسطه همه شاهزادگان و خود حضرت خاقان او را بی بی می گفتند خیر النساء خانم نیابت صندوقدار را داشت هر وقت میخواست بخزانه برود چیزی آنجا ببرد یا بیآورد مختار بود در تمام امورات صندوقخانه هر چه خازن الدوله میکرد باطلاع خیر- النساء خانم و ثبت میرزا مریم بود .

از طایفه بنی اسرائیل است زن شاه شهید بود و در جمال بیمثال و فرید بعد از رحلت خاقان سعید شهید حسین علیخان برادر شاهنشاه او را خواستار شد حضرت خاقان اجازه فرموده در حباله خودشان آوردند مرحوم حسینعلیخان اول رنجشی که از برادر تاجور حاصل نمود همین فقره ندادن مریم خانم بود که بتدریج این ماده غلظت یافت و مال کارخان مرحوم بکوری کشید شاهزاده محمود و شاهزاده همایون و احمد علی میرزا و جهانشاه میرزا و سلطان بیگم خانم که عروس